



اسلام‌ستیزی و اسلام‌هراسی در انگلستان گزارشی از انجمن مسلمانان انگلیس

❖ ترجمه و تلخیص: مینا خدادادی
کارشناس ادبیات و زبان انگلیسی

بسیاری از سازمان‌ها، خبرنامه‌ها و بولتن‌هایی را برای اعضای خود از طریق پست الکترونیک (E-Mail) ارسال می‌کنند و همچنین بولتن‌های محلی و منطقه‌ای نیز در این میان حضور دارند. بیشترین دلیلی که طی سال‌های گذشته باعث کمتر شدن اسلام‌ستیزی در بریتانیا شده‌است، مربوط به همین سازمان‌های مسلمانان است. ولی بخشی از آن هم به رفتار دولت بازمی‌گردد. پیشرفت‌های قابل توجهی از سوی دولت اعمال شده که شامل تغییراتی در قوانین استخدامی، سیستم قضایی، ایجاد مدارس، بیمارستان و زندان‌های مسلمانان است.

نگرانی‌ها و نومی‌دی‌ها

اما تمام خبرها خوب نیستند. فصل مقدماتی مصاحبه‌ها و گفت‌وگوهای این گزارش در نوامبر سال ۲۰۰۳ درباره بررسی شرایط کنونی انجام شد. در چه شرایطی همه چیز نسبت به سال ۱۹۹۷ بدتر شده است؟ این پرسش اصلی است که از مصاحبه‌شوندگان پرسیده شد و همچنین از آنها خواسته شد در صورت تمایل، توضیح مختصری هم بنویسند.

در مورد پیشرفت‌های حاصل شده جا دارد ابراز خرسندی کنیم، ولی باید اعتراف کرد که نگرانی‌هایی هم وجود دارد. علاوه بر این، تأثیرات

از سال ۱۹۹۷، پیشرفت در دو عرصه باعث توجه فوری افکار عمومی در انگلستان شد:
الف- کارکرد سازمان‌های مسلمان؛
ب- نظرسنجی‌هایی که از سوی دولت در این باره انجام شد.

معروف‌ترین و مشهورترین سازمان حمایت از مسلمانان به نام «انجمن مسلمانان انگلیس» در پاییز سال ۱۹۹۷ تأسیس شد. این مؤسسه طوری طراحی شده بود که فعالیت‌ها و اهداف آن شبیه هیئت امنای یهودیان بریتانیا باشد و کانال اصلی ارتباط نمایندگان مسلمانان با مرکز حکومت و رسانه‌ها به شمار آید.

سازمان‌های ملی دیگر دست‌اندرکار شامل بنیاد خویی، جامعه انیسا، مرکز تحقیقات مسلمانان بریتانیا، بنیاد اسلامی، کمیسیون حقوق بشر اسلامی، ائتلاف IQRA، مرکز اسماعیلیان، اتحادیه مسلمانان بریتانیا و پارلمان مسلمانان می‌شدند. علاوه بر اینها صدها سازمان دیگر نیز وجود دارند که بزرگ‌ترین آنها شورای مساجد برادفورد و شورای مساجد لانکشاير هستند. همچنین وبسایت‌های مهم بسیاری نیز وجود دارند. مجلات و نشریات با شمارگان ملی شامل امل، ضربت بین‌المللی، اخبار مسلمانان و هفته‌نامه مسلمانان نیز فعالیت دارند. به علاوه



ولی هرگز ترسی که آنها از پلیس داشتند، نداشتیم، اما کم کم آنها را درک می‌کنم.»
گلشاد قیاسی ایرانی‌تبار است. او در سال ۱۹۶۷ به انگلیس رفته و یک روان‌درمان است. او می‌گوید: «من نمی‌دانم که اسلام‌ستیزی بعد از یازده سپتامبر بدتر شده است یا نه. از اوضاعی که قبل از آن داشته‌ایم، چندان مطلع نیستیم. البته علیه اعراب تعصبات بسیاری وجود داشت و فکر می‌کنم اکنون هر دو مسئله به هم مربوط شده‌اند. الان اوضاع وخیم‌تر شده است. در حال حاضر مسلمانان تبدیل به گروهی تروریست شده‌اند که قصد ویرانگری و قتل دارند. ما همه چیز را به آتش می‌کشیم، این کاری است که ما می‌کنیم و انگار هیچ چیز خوبی درباره ما وجود ندارد.»
قیاسی ادامه می‌دهد: «هر روز با ورق‌زدن روزنامه یا تماشای تلویزیون و دیدن جنگ در عراق و افغانستان و آنچه در گوانتانامو می‌گذرد، متوجه از بین رفتن صفات انسانی می‌شویم. من این خشم را احساس می‌کنم. انگار تمام اتفاقات بدی که در دنیا می‌افتد به ما مربوط است. اسلام‌هراسی یک حرکت اجتماعی است. مسلمانان هدف ساده‌ای هستند، چون با بقیه متفاوتند. مردم همیشه باید برای کینه‌توزی کسی را داشته باشند.»

منفی حادثه یازده سپتامبر ۲۰۰۱ و متعاقب آن جنگ در خاورمیانه، بسیار زیاد بود؛ به گونه‌ای که آزادی اجتماعی مسلمانان در بریتانیا نیز کاهش یافت. بارونس ادین (Baroness Uddin) در یکی از مصاحبه‌هایش این‌گونه عنوان می‌کند: «نخست‌وزیر بلر بعد از یازده سپتامبر تلاش‌های زیادی کرد تا به جهانیان بفهماند که مسلمانان معمولی در تروریسم نقشی نداشتند، ولی اقدامات انجام‌شده از حرف‌های ابرازشده نقش مهم‌تری داشتند. حمله به عراق ما را دهه‌ها به عقب برد. این فرضیه که حکومت ما محافظه‌کاران نو در آمریکا را تخریب می‌کند، باعث افزایش این عقیده شد که مسلمانان در خشونت‌ها نقش دارند. هر یک از ما باید برای فعالیت‌های تروریستی که در سرتاسر دنیا رخ می‌دهد متأسف باشیم.»
مراد کورشی (Murad Qureshi)، یکی از اعضای شورا، می‌گوید: «اوضاع در سال‌های گذشته تغییر کرده است. وقتی می‌بینید وزرای چون دنیس مک‌شان مسلمانان را هدف می‌گیرند متوجه حساسیت موضوع می‌شوید.» وی ادامه می‌دهد: «مسلمانان تبدیل به سياهپوستان جدید شده‌اند، ولی صنعت تبعیض نژادی این موضوع را علنی نکرده است. من به همراه بسیاری از سياهپوستان به مدرسه‌ای در غرب لندن می‌رفتم،

عمران خان یک مجری تلویزیون است که مصاحبه ما را با یک داستان کوتاه پاسخ داد. او دنیا را از نگاه یک جوان ۱۶ ساله به نام اش توصیف می‌کند. از نظر اش، اسلام‌هراسی نوعی نژادپرستی است. او می‌داند که برای اسلام‌هراسی در رسانه، سیستم آموزشی و استخدامی وجود دارد ولی آنچه‌ی که او به آن توجه کرده خیابان است. شخصیتی که خان ساخته، پر از انرژی و مبارزه‌طلبی است که آرام نمی‌شود و نتیجه‌گیری درمورد این موضوع را به عهده خواننده می‌گذارد که زندگی خودش و هم‌نسلاش و حتی به طور کلی انگلیس بهتر می‌شود یا بدتر.

تصور آینده

در سال ۱۹۹۷ درباره اسلام‌هراسی رؤیاهایی نوشته شد که در اینجا ذکر می‌کنیم:

روزی می‌آید که:

- مسلمانان انگلیس در تمام سطوح سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کشور، راحت و به‌طور کامل مشارکت داشته باشند.

- صدای مسلمانان انگلیس شنیده شود و مثل بقیه اجتماعات و گروه‌ها به آنها احترام گذاشته شود. همکاری فردی و جمعی آنها با اجتماع به‌طور محلی، منطقه‌ای و ملی مورد قدرانی قرار گیرد.

- رفتار ضداسلامی غیرقابل قبول باشد و عموم مردم در برابر آن واکنش نشان دهند. هر زمان چنین اتفاقی رخ دهد، افرادی که در موقعیت‌های مهم‌تری هستند آن‌را محکوم کنند.

- قوانینی که مربوط به تبعیض در استخدام و خدمات دیگر هستند و توهین‌هایی که به مذهب می‌شوند، با واکنش شدید مواجه شوند.

- سیستم آموزشی شامل مدارس برای افراد مسلمانان شود و در تمام مدارس برای افراد مسلمان امکانات مذهبی و فرهنگی تدارک ببینند.

- لزوم توسعه مذهب و فرهنگ در انگلیس برای مسلمانان جوان قابل قبول باشد.

- در مسائل اجتماعی و اقتصادی، مسلمانان هم در نظر گرفته شوند، همان‌گونه که به بقیه اجتماعات توجه می‌شود.

- تمام کارفرمایان و خدمات‌رسانان بدانند که برای مقابله با تبعیض باید به مذهب، فرهنگ و عقاید هر فردی احترام بگذارند.

اسلام‌هراسی و تبعیض نژادی

خصومت علیه اسلام و مسلمانان خصیصه جوامع اروپایی از قرن هشتم میلادی بوده است. این خصیصه در زمان‌های متفاوت فرم‌های متفاوت و کاربردهای مختلفی هم داشته است. برای نمونه، در اسپانیای قرن پانزدهم میلادی خصومتی که علیه اسلام و مسلمانان بود، دقیقاً شبیه آنچه در جنگ‌های صلیبی صورت گرفت، نبوده است. همین‌طور قابل مقایسه با دوران حکومت عثمانی یا عصر استعمار نیز بود.

عامل اصلی چنین خصومتی، ظهور پانزده میلیون مسلمان در کشورهای غرب اروپا پس از دهه ۱۹۶۰ میلادی است. دلیل دیگر قدرت اقتصادی رو به افزایش در کشورهای نفت‌خیز است، که اغلب آنها مسلمان هستند. سوم، نقض حقوق بشر توسط رژیم‌های سرکوبگری است که این اقدامات را با عقاید اسلامی توجیه می‌کنند. چهارم، ظاهرشدن جنبش‌های سیاسی و استفاده از تاکتیک‌های تروریستی برای آنکه اعلام می‌شود انگیزه آنها اسلامی است.

برای نمونه در انگلیس هم مانند دیگر کشورهای اروپایی دیگر، حرکت‌های ضد اسلامی عبارتند از:

- حملات لفظی و فیزیکی به مسلمانان در مکان‌های عمومی

- حمله به مساجد و بی‌حرمتی به آرامگاه‌های مسلمانان؛

- کاربرد کلیشه‌های منفی و گسترده در رسانه‌ها؛

- کاربرد کلیشه‌های منفی توسط رهبران سیاسی و اشاره به این که مسلمانان به دموکراسی و قانون کمتر پایبندند؛

- تبعیض در استخدام و محیط کار؛

- تأخیر در امور اداری و عدم پاسخگویی به مسلمانان در مورد مسائل آموزشی و بهداشتی و تهیه لوازم مساجد؛

- فقدان توجه به این نکته که مسلمانان در بریتانیا با فقر و محرومیت دست و پنجه نرم می‌کنند؛

- به‌رسمیت‌نشناختن مسلمانان، چه در مورد

مسائل قانونی و چه مسائل کاری؛

- قانونگذاری خصمانه در مورد مسلمانان

نسبت به تمام ادیان دیگر؛

- آزادی‌های مدنی کمتر برای مسلمانان.

عوامل حاشیه‌ای

عواملی وجود دارند که باعث افزایش اسلام‌ستیزی و اسلام‌هراسی شده‌اند. یکی از این دلایل پناهندگی بالای مسلمانان است. در مطبوعات عبارات «مسلمان، پناهنده، فراری و مهاجر» به نوعی مترادف شده‌اند. یک خبرنگار در ژانویه سال ۲۰۰۴ این مطلب را نوشته بود: «هزاران پناهنده عراقی، الجزایری، مصری، لیبیایی، یمنی و عرب با شادمانی و با امنیت کامل اجتماعی در کشور زندگی می‌کنند. اعراب مردم ما را با سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیکی تهدید می‌کنند. آنها بمب‌گذاران انتحاری را تربیت می‌کنند تا در شهرهای آمریکایی و اروپایی فعالیت کنند. آنها سعی می‌کنند تا ما را نابود سازند.

عامل دوم، دیدگاه ضد مذهب است که به‌صورت واضح در رسانه‌ها مشاهده می‌شود که حتی اسقف اعظم کاتربری هم به این موضوع اشاره کرد. عامل سوم، سیاست خارجی انگلستان در ارتباط با موقعیت‌های جهانی است. این احساس وجود دارد که جنگ علیه ترور در واقع جنگ علیه اسلام است و انگلستان، از اسرائیل در مقابل فلسطینیان حمایت می‌کند.

کلام خشن

در ۱۱ سپتامبر و روزهای بعد از آن احساس ناامیدی و ضعف شدیدی بین مردم مسلمان و غیرمسلمان مشاهده می‌شد و در چنین شرایطی مردم تمایل دارند از کلمات خشن استفاده کنند. این موضوع در مطبوعات هم به خوبی مشاهده می‌شد. آنها تصورات اسلام‌ستیزانه رایج بین مردم را توصیف می‌کردند. این موضوع تا آنجا پیش رفت که یکی از خبرنگاران بعدها بابت کلمات زشتی که به کار برده بود عذرخواهی کرد.

عقاید ایالات متحده

برخی عقاید در ایالات متحده بسیار گسترده هستند. برنارد لوئیس و ساموئل هانتینگتون این عقیده را گسترش دادند که بین اسلام و غرب ناسازگاری وجود دارد. هانتینگتون این‌گونه عنوان می‌کند که «مشکل اساسی برای غرب بنیادگرایی اسلامی نیست، بلکه خود اسلام است. یک تمدن متفاوت که متقاعد شده‌اند از لحاظ فرهنگی برترند، ولی به‌خاطر قدرت کمشان دچار عقده‌های روحی شده‌اند.»

اسلام‌هراسی و روابط نژادی

همیشه این کلیشه را مطرح می‌کنند که همه

یکسانند ولی این توهم را هم دارند که با ما متفاوتند. بطور خلاصه آنها متعلق به اینجا هستند ولی ما نیستیم و باید حذف شویم. آنها خوب، عاقل، مهربان، منطقی، وفادار، صادق و متمدن هستند، ولی ما نیستیم. با وجود شباهتهایی که اسلام‌هراسی با فرم‌های دیگر تبعیض نژادی دارد، خصوصیت‌های خاص خودش را هم داراست. بنابراین واکنش علیه آن هم باید دقیق و صریح باشد. متأسفانه سازمان‌های برابری نژادی در بریتانیا در مورد آن اقداماتی انجام نداده‌اند و اسلام‌ستیزی را مربوط به خودشان نمی‌دانند. در دهه ۱۹۸۰ سازمان‌هایی به‌وجود آمد که تأثیرگذارترین آنها جامعه آئیسا بود تا سازمان‌های برابری نژادی را تشویق کنند که در برابر تبعیض

اقدامات و رفتارهای نهادی افزوده شود، این نهاد، نهادی اسلام‌هراس است که تمایلاتی اسلام‌ستیزانه دارد.

۱۱ سپتامبر ۱۰۰۲ و اسلام‌هراسی

رسانه‌های انگلستان همیشه هنگام نگرانی‌ها و کشمکش‌های بین‌المللی دست به پوشش خبری جانبدارانه می‌زنند و در تمام صحبت‌ها دشمن را فاقد صفات انسانی می‌نامند. همیشه هم به این نتیجه می‌رسند که جهان به دو گروه تقسیم می‌شود: انسان‌های خوب (آنها) و انسان‌های بد (ما) و همیشه از ما تصویر انسان‌های وحشی را می‌سازند که شایسته مجازات هستیم. تنها زبانی که دشمن متوجه می‌شود، زبان زور است. خصوصیتی که دشمن را فاقد صفات انسانی

در مطبوعات عبارات «مسلمان، پناهنده، فراری و مهاجر» به نوعی مترادف شده‌اند. یک خبرنگار در ژانویه سال ۲۰۰۴ این مطلب را نوشته بود: «هزاران پناهنده عراقی، الجزایری، مصری، لیبیایی، یمنی و عرب با شادمانی و با امنیت کامل اجتماعی در کشور زندگی می‌کنند. اعراب مردم ما را با سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیکی تهدید می‌کنند. آنها بمب‌گذاران انتحاری را تربیت می‌کنند تا در شهرهای آمریکایی و اروپایی فعالیت کنند. آنها سعی می‌کنند تا ما را نابود سازند.»



و خصومت علیه مسلمانان واکنش نشان دهند. اروپایی‌ها بین خودشان و گونه‌های دیگر تنها از لحاظ رنگ پوست تفاوت قائل می‌شوند. در بریتانیا افراد غیر سفیدپوست به دو گونه تقسیم می‌شوند: سیاه‌پوست و آسیایی و هیچ توجهی به عقاید، دیدگاه‌ها و مذهب آنها نمی‌شود. حکومت توجهی به اعتراض جامعه آئیسا در دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۹۰ نشان نداد و همچنان تبعیض علیه مسلمانان ادامه دارد.

اسلام‌هراسی نهادی

اسلام‌هراسی نهادی به قوانین، اقدامات و رفتارهایی گفته می‌شود که از لحاظ سیستماتیک نابرابری میان مسلمانان و غیرمسلمانان را منعکس می‌کند. اگر این نابرابری‌ها به قوانین،

می‌کند شامل موارد زیادی است؛ از جمله زبان، نوع لباس، غذا، آداب و رسوم، تاریخ و از همه مهم‌تر مذهب. وقتی مذهب آنها با ما متفاوت است مثل این است که آنها در سیاره‌ای دیگر زندگی می‌کنند و بهشت و جهنم دیگر دارند. اسقف اعظم کانتربری در خطابه روز کریسمس سال ۲۰۰۳ این‌طور اظهار داشت: «مذهب در طول تاریخ همیشه بهانه‌ای برای ظلم و خشونت بوده است. گرچه این‌گونه وانمود می‌شود که هرگز زیر بار تبعیض نمی‌رود و نیرویی شدید برای یکسان کردن افراد است. ما باید با مواردی که با واقعیت فاصله زیادی دارند، مبارزه کنیم. با وجود اینکه، رهبران مذهبی بارها حرکتهای تروریستی را محکوم کرده‌اند،

منطقی‌ای هستند و پیش‌داوری نمی‌کنند. وقتی نخست‌وزیر انگلیس این موضوع را عنوان کرد که مسلمانان نباید مورد سرزنش قرار بگیرند هر دوی ما خیالمان راحت شد. سپس او مرا به ایستگاه رساند و هر دو با سخنان نخست‌وزیر احساس اطمینان خاطر داشتیم.»

اما، وی با تأسّف ادامه می‌دهد: «ولی تنها گفتار نمی‌تواند جلوی اسلام‌هراسی را بگیرد. ناگهانی بودن اسلام‌هراسی انسان را شوکه می‌کند. اینکه هویتی به انسان داده می‌شود که انگار واقعیت دارد و تمام سال‌های تحصیل و زندگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.»

به‌طور کلی این به معنای جنگ است
بعد از یازده سپتامبر سیاستمداران و رهبران

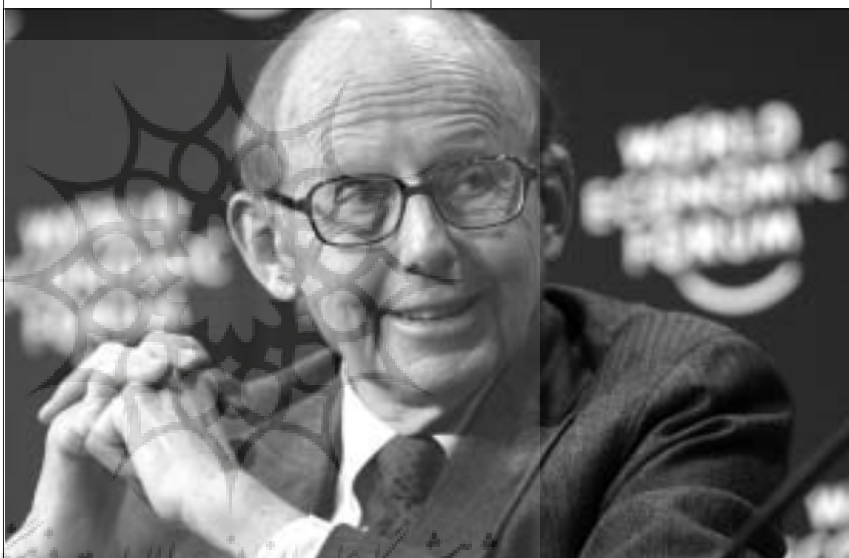
برنارد لوئیس و ساموئل هانتینگتون این عقیده را گسترش دادند که بین اسلام و غرب ناسازگاری وجود دارد. هانتینگتون این‌گونه عنوان می‌کند که «مشکل اساسی برای غرب بنیادگرایی اسلامی نیست، بلکه خود اسلام است.»

تأثیرگذار، قصد بی‌ارزش کردن اسلام را نداشتند و تمایل داشتند تا همه را متقاعد کنند که تروریست‌ها با غرب دشمن هستند. نیویورک تایمز در روز ۱۶ سپتامبر چنین مطلبی را چاپ کرد که: «جنایتکاران با ارزش‌های غرب مانند آزادی، بردباری، موفقیت، تعدد ادیان و حق رأی همگانی خصومت دارند.» رئیس‌جمهور آمریکا از «کشمکش دیرینه میان خوبی و پلیدی» صحبت کرد. نویسنده تأثیرگذاری به نام فرانسیس فوکویاما در نیوز ویک نوشت: «محمد عطا و بسیاری از هواپیماربایان افراد دوره‌دیده‌ای بودند که در غرب زندگی و تحصیل می‌کرده‌اند.» یک مقاله‌نویس انگلیسی اعلام کرد: اسامه بن لادن «نفرتی بیمارگونه نسبت به غرب داشته و قصد خسارت‌زدن به آن را دارد». البته کاریکاتورهای زیادی هم در این مورد چاپ شد.

ولی، به نام مذهب تهدیدی از جانب تروریست‌ها وارد زندگی امروزی شده است.» موضوع اصلی، بی‌ارزش کردن قوانین الهی نیست. این گزارش درباره اسلام‌هراسی است نه غرب‌ستیزی. گرچه خطر غرب‌ستیزی هم به‌وجود آمده است که مسلمانان و غیرمسلمانان باید هم‌زمان با هر دو نوع مبارزه کنند، به‌ویژه زمانی که توجیه مذهبی هم در کار باشد.

تنها گفتار کافی نیست

بعد از حادثه یازده سپتامبر و طی جنگ افغانستان و عراق، سیاستمداران مسئول و نویسندگان مطبوعات بارها اعلام کردند که جنگ علیه تروریست جنگ علیه اسلام نیست. سیاستمداران و نویسندگان تأکید کردند که اکثریت مسلمانان



صلح‌جو و قانونمند هستند و آن دسته از مسلمانان که از گفته‌های مذهبی برای اهداف تروریستی استفاده می‌کنند، تعدادشان بسیار کم است. هاله افشار، استاد علوم سیاسی و مطالعات زنان در دانشگاه یورک، خاطره‌ای را بازگو می‌کند از روز یازده سپتامبر که در تاکسی در بیرمنگام نشسته بود و به اخبار گوش می‌کرد: «وقتی راننده متوجه شد که من مسلمانم، سرعتش را بسیار کم کرد. او می‌خواست بدانند که ما مسلمانان بیرمنگام و خودش به عنوان یک مسلمان چه چاره‌ای باید ببندیشند و از من به عنوان یک زن مسن‌تر و یک مسلمان تقاضای کمک داشت تا به او بگویم چگونه با این موضوع که روز به روز هم در حال افزایش است مقابله کند. من سعی کردم او را متقاعد کنم که انگلیسی‌ها انسان‌های

محافظه کاری نو

در اوایل سال ۲۰۰۲ مارگارت تاچر - نخست‌وزیر اسبق انگلستان - در مقاله‌ای تحت عنوان «اسلام‌گرایی و افراط‌گرایی» در نیویورک تایمز به‌طور خلاصه دیدگاه‌های پیشین سیاست خارجی آمریکا را عنوان کرد: «آمریکا هرگز مثل گذشته نخواهد بود. او به خود و دیگران ثابت کرده است که قدرت برتر جهانی است، به راستی قدرت برتر توانایی رقابت با هیچ ملیت دیگری را ندارد. در عین حال بوش به آمریکایی‌ها خاطرنشان کرد که نباید از کار خودشان خشنود باشند. آمریکا و هم‌پیمانانش که جهان غرب و ارزش‌های آنند، هنوز هم مورد تهدید بسیار خطرناکی هستند.»

سپس در این مقاله عنوان می‌شود که ایالات متحده باید به «مراکز ترور اسلامی ضربه بزند که در آفریقا، جنوب شرقی آسیا و جاهای دیگر ریشه دوانده است» و با ایالت‌هایی که از تروریست حمایت می‌کنند یا سلاح‌های کشتار جمعی معامله می‌کنند، برخورد کند.

بنابر یک دیدگاه، غرب باید یک دشمن خطرناک را در نظر داشته باشد تا با آن مقابله کند. وجود این دشمن تهدیدکننده باعث می‌شود تا پیوستگی اجتماعی و احترام به رهبران سیاسی به‌وجود آید و باعث شود تا عموم مردم از برنامه‌های تسلیحاتی حمایت کنند. این موضوع فقط توسط رهبران سیاسی عنوان نشده، بلکه در فیلم‌های محبوب، برنامه‌های تلویزیونی، رمان‌ها، بازی‌های رایانه‌ای و همچنین در صحبت‌های روزمره مردم و تماس‌های تلفنی با برنامه‌های رادیویی و چت‌روم‌های اینترنت هم اعلام می‌شود.

فکر بسته و باز

بعضی اوقات عنوان می‌شود که کاربرد واژه «اسلام‌هراسی» روشی برای خفه کردن بحث‌ها و عدم توافق‌های مشروع است. در این قسمت بیانیتهای متنوعی در این مورد می‌آوریم و تفاوت دیدگاه‌های بسته و باز درباره اسلام را از زبان غیرمسلمانان عنوان می‌کنیم و درباره دیدگاه‌های مسلمانان از غرب و اسلام جویا می‌شویم.

بحث کافی است؟

در سرمقاله‌ای که توسط پیتر هیتجنز در اکتبر ۲۰۰۲ نوشته شده بود: «آیا از این پس حتی با یک مسلمان بحث هم نکنیم؟». این مقاله درباره

فردی بود که رفتاری متعصبانه به مذهب داشت که با همسایه مسلمانش وارد مجادله می‌شود. مقالات توهین‌آمیز دیگری هم توسط نویسندگانی چون مارتین آمیس و برایان سویل نوشته شد که واکنش‌های متعددی از جانب مسلمانان در برداشت.

در سال ۱۹۹۷ گزارشی توسط انجمن مسلمانان ارائه شد که تفاوتی بین دیدگاه‌های بسته و باز قائل شد. کلمات بسته و باز از یک عنوان قدیمی مربوط به روانشناسی گرفته شده است که در سال ۱۹۶۰ تحت عنوان «ذهن باز و بسته» توسط میلتون روکیچ به چاپ رسید. افرادی که ذهن باز دارند با یافتن حقایق جدید تغییر عقیده می‌دهند، منصفانه قضاوت می‌کنند و هرگز بیش از حد روی حرفشان تأکید نمی‌کنند.

انتقاد از خود و تشخیص تنوع

پروفیسور احمد به این نکته اشاره می‌کند که تفاوت بین فکر بسته و باز به همه افراد مربوط است: «مسلمانان در عقایدشان درباره غرب و غیرمسلمانان در عقایدشان درباره اسلام». علاوه بر این وی اشاره می‌کند که بازبودن فکر رفتاری است که هر فرد باید به آداب و رسوم دیگران هم مثل آداب خودش احترام بگذارد. حتی گاهی اوقات لازم است از کار خودش انتقاد هم بکند و از دیگران کمک بگیرد تا زندگی بهتری برای خودش بسازد.

یک نویسنده مسلمان در بریتانیا اینطور می‌نویسد: «صدام حسین محصولی از فرهنگ خود ماست، البته وحشی‌تر است ولی چندان تفاوتی با حاکمان مستبد دیگر در دنیای عرب ندارد. ما باید از جوامع مسلمان بپرسیم چرا آنها اینقدر به استبداد و دیکتاتوری تمایل دارند. آیا حاکمان ما شایستگی دارند؟ چرا در جوامع مسلمان حقوق ابتدایی بشر از جمله حقوق زنان رعایت نمی‌شود؟ چرا ما به دست خودمان، خودمان را نابود می‌کنیم؟ ما باید بر این نکته توجه کنیم که اسلام برای هر مسئله‌ای پاسخی دارد.»

نویسنده متن انتقادی بالا در جایی دیگر با لحنی شیوا از زیبایی‌های اسلام می‌گوید: «ما باید به اسلام مثل یک باغ بنگریم. باغ‌ها پر از گل‌های زیبا هستند؛ انواع گل‌ها که در فصل‌های مختلف شکوفا می‌شوند و در فصل‌های خاصی باید کاشته شوند. بی‌دلیل در اسلام بهشت

به‌صورت یک باغ زیبا به تصویر کشیده نشده است. بنابراین، برای اینکه زیبایی‌های اسلام را درک کنید باید به شخصیت‌تان تنوع بدهید. سنت‌گرا، مدرن، بخشنده، صوفی و ... باشید و همان‌طور که دوست دارید خودتان شکوفا شوید به دیگران هم این اجازه را بدهید.»

محاسبه

بهترین جایی که می‌تواند در تشخیص ما نقش داشته باشد، سرشماری ملی جمعیت است. صاحب‌منصبان بر این باور بودند که مذهب به حوزه شخصی هر فرد مربوط است ولی اجتماعات مذهبی ادعا کردند که تأثیر مذهب در جامعه بسیار زیاد است. بعد از مجادلات فراوان قرار شد تا سؤال «مذهب شما چیست؟» به عنوان تنها سؤال داوطلبانه به سرشماری اضافه شود. ۹۲/۷٪ افراد به این سؤال پاسخ دادند.

بر اساس نظرسنجی‌ها مشخص شد که به‌طور کلی حدود یک چهارم از کل جمعیت به این قسمت جواب نداده یا خود را پیرو هیچ مذهبی ندانسته‌اند که ۹۴٪ این افراد سفیدپوست بوده‌اند. ۷۶٪ از افراد به این بخش پاسخ دادند که ۷۳٪ خود را مسیحی معرفی کرده‌اند و از بقیه کسانی که خودشان را مسیحی معرفی نکرده‌اند، ۵۱٪ مسلمان بودند و بقیه ادیانی چون هندو، یهودی، بودایی و غیره داشتند. از کل مسلمانان دو سوم آنها اهل کشورهای چون بنگلادش، هند یا پاکستان بودند. البته در لندن ۴/۱٪ مسلمانان اهل انگلستان و بقیه اهل کشورهای دیگر بودند.

جرایم کیفری

در سال ۱۹۹۷ گزارشی درباره اسلام‌هراسی تهیه شد. این گزارش این موضوع را شامل می‌شد که باید مجازات‌هایی برای اهانت در زمینه نژادپرستی در نظر گرفته شود. این موارد شامل: توهین و خشونت، صدمه به اموال، آزار و اذیت، تهدید و رفتار توهین‌آمیز بود. این گزارش درخواست می‌کرد که در قانون‌گذاری، ستیز با مذهب هم نوعی نژادپرستی در نظر آید. ابتدا این موضوع رد شد ولی بعد مورد قبول واقع شد. بعدها، خشونت علیه مذهب به انواع جرم اضافه شد.

در سال ۲۰۰۲ مرکز مبارزه با نژادپرستی اروپا اعلام کرد که طبق شواهد موجود اسلام‌ستیزی در حال افزایش است. اتحادیه حقوق بشر اسلامی ۶۷۴ مورد را از سوءاستفاده، تبعیض، آزار

و اذیت و خشونت برشمرد. اغلب موارد مربوط به زنان مسلمان بود که یا روسری آنها را از سرشان می‌کشیدند یا الکل به‌طرف آنها پرت می‌کردند. در یک مورد روسری دخترچه‌ای در راه مدرسه توسط یکی از والدین بچه‌های دیگر کشیده شد که بعد از آن هم با صدای بلند به آن دخترچه خندیده است. موارد دیگری هم مثل حمله با فلفل یا چوب و چماق هم دیده شده است. این اتحادیه اعلام کرد که در اغلب موارد زنان و کودکان در معرض خطر هستند.

پژوهشی که در سال ۲۰۰۳ از سوی اتحادیه اروپا منتشر شد، نشان داد که درصد بالایی از مسلمانان انگلیس رفتار پلیس را نوعی نژادپرستی می‌دانند. آنها به بازرسی‌های بی‌مورد، عدم پاسخگویی تلفنی، آزار و اذیت مسلمانان و عدم خدمات‌رسانی به مسلمانان اشاره کردند. همه این موارد نشان می‌دهند که عدم اطمینان بین مسلمانان و پلیس رو به افزایش است. توصیه‌هایی که استفان لورنس در مورد مبارزه با نژادپرستی ارائه می‌دهد ارتباط نزدیکی با اسلام‌ستیزی هم دارند، البته خصیصه‌های اسلام‌ستیزی باید مشخص شوند.

قانون ضد تروریسم، جرم و امنیت به تمام اعضای امنیتی این اجازه را می‌دهد که فرد مظنون به تروریست‌بودن را، در صورتی که اهل انگلیس نباشد، بدون دستگیری، دادگاه و حفاظت‌های معمول برای مدتی بازداشت کند.

بیبانه‌های مربوط به یک شورش در دوم دسامبر ۲۰۰۲ همه چیز را به اوج رساند. در آن مورد مأموران مسئول حملاتی شناخته شدند که سوءاستفاده از اسلام‌ستیزی بود. مسعود شجره، رئیس اتحادیه حقوق بشر مسلمانان گفت: «نیروهای پلیس بیشتر شبیه نیروهای کشیک رفتار کردند. سازمان‌هایی دور هم جمع شده‌اند که بگویند دیگر بس است.» بعد از یازده سپتامبر ۵۰۰ نفر دستگیر شدند که ۷۷ نفر متهم و دو نفر محکوم شدند. این یعنی ۴۰۰ نفر مسلمان غیرعادی در انگلیس داریم که در واقع هیچ گناهی ندارند، ولی زندگی آنها ویران شده است، کارشان را از دست داده‌اند و مورد آزار و اذیت جامعه قرار گرفته‌اند. ما در این حیرتیم که کدام همسر و پسر نفعی هستند.»

یکی از دستگیرشدگان برای روزنامه **گاردین** اینگونه تعریف می‌کند: «من و همسر با یک صدای شلیک از خواب بیدار شدیم. شش یا هفت

مأمور وارد اتاق ما شدند، آنها شروع به زدن من کردند و سرو دست و پای مرا له کردند. بعد مرا روی زمین خواباندند و به من گفتند که طبق قانون ضد تروریسم مرا دستگیر کرده‌اند. من شوکه شده بودم.»

وی ادامه می‌دهد که دستان همسر مرا بسته بودند و همین‌طور مرا می‌زدند. این فرد مظنون تا به حال هرگز دستگیر نشده بود. سپس توضیح می‌دهد که مأموران آنها را مسخره کردند و در اتاقی که آنها عبادت می‌کردند جاشمی را شکستند. او می‌گوید: «آنها شروع به خندیدن کردند و می‌پرسیدند: الان خدای تو کجاست؟... من متوجه شدم که این یک دستگیری معمولی نیست.» سپس می‌گوید: مأموران او را در ماشینی انداختند و در راه هم همین‌طور به آزارهایشان ادامه می‌دادند تا اینکه به ایستگاه پلیس رسیدند. سه روز بعد یک دکتر برای معاینه او آمد که متوجه شد صورت، جمجمه، سینه، پشت، بازو، آرنج، شکم، ران و هر دو پای وی آسیب دیده‌اند. او به همراه سه نفر دیگر در آن روز دستگیر شده بود که بعد از هفت روز بدون هیچ اتهامی آزاد شدند. یکی از سخنگوهای اسکاتلند یارد تأیید کرد که شکایت شده است ولی اعلام کرد که به هیچ یک از مأموران مظنون نشده‌اند.

وزارت کشور انگلیس اعلام کرده است که قصد دارد برای حمایت از افرادی که به آنان توهین شده است، قبل و بعد از رأی دادگاه رفتارسنجی انجام دهد تا بعد از رأی از آنها اعاده حیثیت شود. امید است که این برنامه شامل مسلمانان هم بشود!

استخدام و خدمات

گزارشی که از سوی هیئت دولت در سال ۲۰۰۳ منتشر شد، نشان داد که میزان استخدام پاکستانی‌ها و بنگلادشی‌ها کمتر از بقیه مردم است. به علاوه سطح درآمد و پیشرفت کاری میان این افراد کمتر است. متأسفانه این فاصله همچنان در حال افزایش است. در این گزارش آمده است: «شواهدی در دست است که تبعیض نقش چشمگیری دارد. گرچه قانون برابری فرصت‌ها موفقیت‌هایی دربرداشته است، ولی تبعیض سیاست‌ها یا اقدامات انجام‌شده به اقلیت نژادی ضرر رسانده و همچنان به عنوان یک مشکل باقی مانده است.»

سال‌ها مؤسسات غیردولتی درباره حذف تبعیض نژادی و ناتوانی دولت در غیرقانونی کردن

تبعیض در دین و مذهب به سازمان ملل شکایت کرده‌اند. در سال‌های ۱۹۹۲، ۱۹۹۶ و ۲۰۰۰ این سازمان به طور رسمی با این انتقاد موافقت کرد و این موضوع را مورد سرزنش قرار داد. پاسخ رسمی انگلستان این بود که اجرای چنین قانونی غیرممکن است، چون در این صورت باید بین مذهب و مکتب فکری تمایز قابل شود. اما به هر صورت دولت انتقاد را پذیرفت و اعلام کرد که هیچ راهی وجود ندارد.

در اینجا به مشکلاتی که مسلمانان در مراکز کاری دارند اشاره می‌کنیم:

یکی از افرادی که اخیراً به استخدام کلیسا در آمده بود به اسلام گرویده است. آیا منطقی است که وی در محل کارش حجاب داشته باشد؟ آیا کارفرما می‌تواند در صورتی که وی شرایط را نپذیرد، او را اخراج کند؟

یک معلم روزهای جمعه در مدرسه‌ای تدریس می‌کند، وی علاقه‌مند است تا در نماز شرکت کند. اگر او در نماز جمعه شرکت کند نصف روز کاری خود را از دست می‌دهد. آیا این کار منطقی است؟

در مراکز کاری بریتانیا بسیاری از اینگونه نمونه‌های مربوط رفتار دینی وجود دارد. واقعیت‌های موجود در محیط کار نقش مهم‌تری نسبت به قانون کار دارند. برای انجام کار خوب سه مسئله را باید در نظر گرفت: گفت‌وگو، برای یافتن راه‌حل‌های دو جانبه رضایت‌بخش، انطباق‌یافتن و پذیرش نکات منطقی، یعنی پذیرفتن آنچه ایده‌آل است. در گام نخست، باید مدیران و کارکنان را از اصول کلی آگاه کرد. این اصول فقط از طریق گفت‌وگو حل می‌شوند.

در حال حاضر یک قانون برابری لازم است. این موضوع توسط پروفیسور هاپل و همکارانش در دانشگاه کمبریج بررسی و در سال ۲۰۰۰ چاپ شد که بعدها مورد تأیید اتحادیه چند قومی بریتانیا قرار گرفت. در حال حاضر دولت قصد چنین قانونگذاری را ندارد و بنابراین چنین تناقض‌هایی همچنان رخ می‌دهد. اگر این اتفاق بیفتد، مدینه فاضله‌ای بنیان‌گذاری می‌شود و این اتفاق در گرو پیشرفت‌ها در سیستم و اقدامات آموزشی است که اجتماعات مسلمان آن را سازمان‌دهی می‌کنند.

هویت و آموزش

برای بسیاری از زنان مسلمان، داشتن حجاب یک افتخار محسوب می‌شود و اهمیت زیادی

دارد. از آنجایی که آنها این کار را با اختیار خود انجام می‌دهند، احساس آزادی می‌کنند که خودشان برای خودشان تصمیم می‌گیرند. این افراد آرزوهای زیادی برای آینده خود دارند. اما برخی اخیراً در جامعه دلسرد شده‌اند که دلیل آن هم اسلام‌ستیزی و هم اسلام‌هراسی است.

مردان مسلمان هم نگرانی‌های مشابهی دارند. بیشتر انتقاد آنها از رسانه‌ها و نوع نگاه آنها به اسلام است. قصد آنها تثبیت هویتشان و ساختن انگلستانی آزاد است که در آن اسلام بهتر شناخته شده، احترام بیشتری به آن گذاشته شود. آنها امیدوارند روزی برسد که به آنها به چشم یک مسلمان انگلیسی نگاه کنند و هویت آنها به رسمیت شناخته شود.

برای جوانان مسلمان، آموزش هم مانند استخدام و بیگانگی، تبدیل به نگرانی بزرگی شده است. هیچ پیشرفتی در زمینه آموزش مذهبی به‌وجود نیامده است. اگرچه، از سال ۲۰۰۲ پیشرفت‌هایی در زمینه آموزش مشاهده شده است:

- به طور کلی، ۴۵٪ از دانش‌آموزان بنگلادشی و ۴۰٪ از شاگردان پاکستانی در تابستان ۲۰۰۱، رتبه A-C را به دست آورده‌اند.

- این آمار در حالی است که ۷۳٪ از دانش‌آموزان چینی، ۶۴٪ از دانش‌آموزان هندی که برخی از آنها مسلمان هستند، ۴۰٪ از دانش‌آموزان آفریقایی که برخی از آنها نیز مسلمان هستند و ۳۰٪ از دانش‌آموزان آفریقایی کارائیبی این رتبه را کسب کرده‌اند.

- در تمام جوامع تفاوت چشمگیری میان دختران و پسران هست. در مورد جامعه پاکستانی‌ها، فقط ۳۴٪ پسران پاکستانی در سال رتبه A-C را کسب کرده‌اند، در حالی که ۴۸٪ دختران این رتبه را کسب کرده‌اند.

به این ارقام به دو دلیل باید دقت زیادی کرد: اول، میان جامعه پاکستانی‌ها در انگلستان تفاوت‌های زیادی از لحاظ سطح اجتماعی، شغل و سابقه مهاجرت وجود دارد. دوم، در چنین آماری همه به‌طور برابر مقایسه نمی‌شوند، جامعه سفیدپوست با جامعه پاکستانی تفاوت‌های بنیادی دارد. کاملاً مشخص است که آموزش و سطح اجتماعی کاملاً به هم مربوط هستند.

مدارس مسلمانان

در سال ۱۹۹۷، هیچ مدرسه‌ای برای مسلمانان

وجود نداشت. پس از آن، چهار مدرسه برای مسلمانان بر پا شد. در حال حاضر در انگلستان حدود ۱۲۰ مدرسه برای مسلمانان وجود دارد که توسط والدین و اجتماعات بنا شده‌اند. حدود ۷۵۰۰۰۰ کودک مسلمان در انگلستان هستند که حدود ۱٪ به مدارس مسلمانان و ۵٪ به مدارس خصوصی غیرمسلمانان می‌روند. اکثریت آنها در مدارس دولتی تحصیل می‌کنند.

در سال ۲۰۰۱، نهاد هماهنگ‌سازی اجتماع بی‌نظمی‌هایی را در شهرهای شمالی گزارش داد و عنوان کرد که مدارس مسلمانان تفرقه‌انداز هستند. آنها موضوع را این‌گونه عنوان می‌کردند که نمی‌توان میان مدارس دینی و غیردینی تمایز قائل شد. بعدها مدارس کشوری با عبارت «چند

رسانه‌های انگلستان همیشه هنگام

نگرانی‌ها و کشمکش‌های بین‌المللی دست به پوشش خبری جانبدارانه می‌زنند و در تمام صحبت‌ها دشمن را فاقد صفات انسانی می‌نامند. همیشه هم به این نتیجه می‌رسند که جهان به دو گروه تقسیم می‌شود: انسان‌های خوب (آنها) و انسان‌های بد (ما) و همیشه از ما تصویر انسان‌های وحشی را می‌سازند که شایسته مجازات هستیم. تنها زبانی که دشمن متوجه می‌شود، زبان زور است.

فرهنگی» عنوان شدند تا تعداد زیاد دانش‌آموزان مسلمان را که در آنها درس می‌خوانند، توصیف کنند.

در حال حاضر، در حوزه آموزش سه موضوع اهمیت ضروری دارد:

الف- دارا بودن چارچوبی کلی برای دیدگاه‌ها و مسائل قابل تدریس، که برای تمام سنین و تمام موضوعات مناسب باشد؛

ب- شیوه صحیح تدریس درباره نژادپرستی و اسلام‌ستیزی؛

ج- شیوه صحیح تدریس درباره اسلام.

خیابان و همسایگی

باید به این نکته توجه داشت که این برنامه مربوط به شهرهای شمالی است که جمعیت چشمگیری از مسلمانان در آنجا زندگی می‌کنند. بعد از عنوان شدن این مسئله در رسانه‌ها سو، تفاهم‌ها و

تحریفاتی عنوان شد. در هر صورت این موضوع برای افزایش قریحه بومی ارزش بالایی دارد.

در نهم دسامبر ۲۰۰۱ روزنامه **ساندی** در صفحه اول این عنوان را چاپ کرد: با این عنوان «آشوب تابستان اجتماعات قومی را آزرده». این خبر از مصاحبه‌ای با دیوید بلانکت - وزیر کشور وقت - استخراج شد و به دنبال چهار گزارش مبنی بر آشوب‌هایی در تابستان ۲۰۰۱ بود. هدف این گزارش، بررسی برنامه حکومت درباره هماهنگ‌سازی جامعه بود که البته اشاره‌ای به سیاست‌های اجتماعی از جمله آموزش و پرورش داشت. این خبر، بعد از روزنامه **ساندی** بقیه رسانه‌ها را هم دربر گرفت.

در این گزارش از وزیر کشور پرسیده شده بود: «آیا ما در مورد ازدواج‌های اجباری بیش از حد صبور نبوده‌ایم؟» او نیز این‌طور پاسخ داد: «ازدواج‌های اجباری جوانان زیر ۱۶ سال و یا عقیم کردن افراد، شاید در آفریقا قابل قبول باشد، ولی در اینجا قابل قبول نیست. ما نمی‌توانیم اینگونه تفاوت‌های فرهنگی را تحمل کنیم. ما قواعدی داریم که هر کس به کشور ما می‌آید باید آنها را بپذیرد. همان‌گونه که ما هم اگر جای دیگری برویم مجبوریم قواعد آنجا را بپذیریم.» این کلیت‌بخشی منفی درباره اجتماعات مسلمان که به عنوان هماهنگ‌سازی اجتماع مطرح شد، نوعی اسلام‌ستیزی بود که در پائیز ۲۰۰۱ در جوامع غربی شایع شد. به علاوه آنها یک حس بدگمانی را میان مسلمانان رواج می‌دادند.

آرون گاندانی درباره آشوب تابستان ۲۰۰۱ این‌طور می‌گوید: «آتشی که در لنک شایر و یورک شایر بود به نسل دوم و سوم جوانان پاکستانی و بنگلادشی اشاره می‌کرد که از آینده محروم شده بودند و از همه طرف نژادپرستی آنها را احاطه کرده بود. این آتش توسط جوانانی روشن شده بود که از همه چیز ناامید بودند. این صدای اقوامی بود که به‌خاطر رنگ متمایز شده بودند. خشونت از جانب خشونت‌دیده‌ها بود.»

مفهوم هماهنگ‌سازی

مفهوم هماهنگ‌سازی اصل بحث‌ها در مورد چندفرهنگی در انگلستان بود که توسط اتحادیه آینده بریتانیای چندنژادی به ریاست لرد پرخ عنوان شد. این اتحادیه برخلاف دولت تأکید بر ارزش‌ها در هماهنگ‌سازی داشت. آنچه عنوان

بنابر یک دیدگاه، غرب باید یک دشمن خطرناک را در نظر داشته باشد تا با آن مقابله کند. وجود این دشمن تهدیدکننده باعث می‌شود تا پیوستگی اجتماعی و احترام به رهبران سیاسی به وجود آید و باعث شود تا عموم مردم از برنامه‌های تسلیحاتی حمایت کنند. این موضوع فقط توسط رهبران سیاسی عنوان نشده، بلکه در فیلم‌های محبوب، برنامه‌های تلویزیونی، رمان‌ها، بازی‌های رایانه‌ای و همچنین در صحبت‌های روزمره مردم و تماس‌های تلفنی با برنامه‌های رادیویی و چت‌روم‌های اینترنت هم اعلام می‌شود.

می‌شد اهمیت برابری و احترام به تفاوت‌ها بود. در یک سخنرانی که در مورد هماهنگ‌سازی در سال ۲۰۰۲ برپا شده بود، لرد پرخ این‌طور به توصیف پرداخت:

جامعه‌ای هماهنگ است که:

- تمام اعضای آن برای پیشرفت جامعه تلاش کنند؛

- تمام اعضای آن با دانستن نکات فرهنگی جامعه، به راحتی بتوانند راه خودشان را بیابند؛

- اعضای آن به همدیگر اطمینان خاطر داشته باشند.

وزارت کشور در پائیز ۲۰۰۳ گزارشی منتشر کرد که در آن هماهنگ‌سازی جامعه باید به «زبان ساده، پرمحتوا و رسا» توصیف شود. آنها به این مسئله فکر نکردند که چنین توصیفی باید بعد از بازنگری، تعریفی انجام شود که در سال ۲۰۰۱ توسط اتحادیه حکومت محلی طرح شد و همه جا را فراگرفت. یک ضرب‌المثل قدیمی می‌گوید: «آب رفته به جوی باز نمی‌گردد». برنامه هماهنگ‌سازی جامعه آغاز ضعیفی داشت و بر اساس کلیشه‌ها و دیدگاه‌های منفی ضد مسلمانان بود. اگر برنامه‌سازی به شیوه‌ای نویدبخش انجام شود، نظریه‌سازی دقیق لازم است. بنابر این متوجه می‌شویم که اسلام‌ستیزی جنبه‌های خصوصی دارد که برای مبارزه با آن باید برنامه‌ها و سیاست‌های کامل‌تری تدارک دیده شود.

رسانه‌ها و اسلام‌هراسی

همیشه شکایت‌هایی از پوشش ناصحیح جوامع مسلمان در رسانه‌ها صورت می‌گیرد که متأسفانه حقیقت دارد. مثلاً، داستانی که از سوی مریل وین دیویس (مسلمانی اهل ولز) نقل می‌شود کاملاً شنیدنی و معقول است. او می‌گوید: «هر زمان خبرنگاری با من مصاحبه می‌کند این جمله را می‌گوید که: چطور دختری زیبا و معقول مثل تو به مذهب گروهی بنیادگرایی جنگ‌طلب گرویده که زنان را سرکوب می‌کنند؟ از این سؤال این‌طور برمی‌آید که انسان‌های زیبا مسلمان نمی‌شوند و این یعنی مسلمانان زیبا نیستند و اینکه مسلمانان در کل جنگ‌طلبند و جنگ‌طلبی مترادف کلمه وحشت‌آور «بنیادگر» است و آنها زنان را سرکوب می‌کنند.»

سازیا میرزا در مصاحبه‌ای این داستان را تعریف می‌کند: «بعد از ۱۱ سپتامبر، مردم

می‌ترسیدند بخندند. آنها هرگز یک زن مسلمان را در حال سرگرم کردن مردم ندیده بودند. معمولاً اینگونه برنامه‌ها مختص سفیدپوستان است. همیشه این جمله تکرار می‌شد که «خدای من، یک زن مسلمان روی صحنه است». وقتی من روی صحنه با حجاب ظاهر می‌شوم مسئولیت‌های دوبرابر می‌شود و باید بتوانم بیشتر از کم‌دین‌های دیگر مردم را بخندانم. به نظر من دیدگاه مردم نسبت به مسلمانان بدتر شده است. با چیزهایی که تلویزیون نشان می‌دهد آنها باور می‌کنند که ما تروریستیم و زنان مسلمان سرکوب می‌شوند و توسط شوهرانشان کتک می‌خورند و شوهرانشان همه ریش دارند و به پسرانشان بمب‌گذاری می‌آموزند.»

در تحلیلی بعد از ۱۱ سپتامبر در روزنامه **دیلی میل** عکس ابوحمزه در روزهای پانزدهم، هفدهم، هجدهم، بیستم و بیست و یکم چاپ شد. چند روز بعد از آغاز جنگ در عراق هم دیدگاه‌های او چاپ شد. این روزنامه او را یکی از «معروف‌ترین واعظان مسلمان در انگلستان» معرفی کرد. برای بسیاری از خبرنگاران از روزنامه **تلگراف** گرفته تا **اخبار جهان** او کانون توجه بود.

اگرچه چاپ عقاید حمزه و متحدانش هیچ ایرادی ندارد ولی دیدگاه‌های او به تمام مسلمانان برمی‌گردد. احمد ورسی، سردبیر و نویسنده اخبار مسلمانان این‌طور می‌گوید: «جامعه مسلمانان بارها رسانه‌ها را مورد انتقاد قرار داده است که دیگر شرح حوادث ۱۱ سپتامبر کافی است، ولی تلویزیون و روزنامه‌ها همچنان زمان زیادی را صرف افرادی مثل ابوحمزه می‌کنند و دنبال افراد میانه‌رو نمی‌گردند. او در جامعه مسلمانان هیچ جایگاهی ندارد. حتی مسلمانان جوان هم دیگر به حرف‌های او توجهی نمی‌کنند، ولی چرا تلویزیون اینقدر جذب واعظه‌های او شده است؟ این اسلام‌ستیزی است.»

مطالعه‌ای درباره تمام مقالات در مورد مسلمانان انگلستان انجام شد و نشان داد که در روزنامه‌های **گاردین** و **تایمز** حداقل ۸۳۷ مقاله سال‌های ۹۷-۱۹۹۳، در مجموع ۵۰۴ عدد در **گاردین** و ۳۳۳ عدد در **تایمز** بوده است. همین‌طور در مورد داستان‌هایی که درباره مسلمانان نوشته شده بود هم تحقیقی انجام شد و نتیجه این بود: از هر هفت داستان فقط یکی درباره اسلام در

انگلستان بوده است. این نشان می‌دهد که اسلام در رسانه‌های انگلستان یک غریبه محسوب می‌شود و مسلمانان به عنوان افرادی غیرمنطقی و قدیمی در نظر گرفته می‌شوند که آزادی‌خواهی و دموکراسی را مورد تهدید قرار داده‌اند.

راه‌های بهبود پوشش رسانه

- تا زمانی که مردم با کلیشه‌ها مبارزه نکنند، آنها باقی می‌مانند. وقتی با آنها مبارزه شود، نویسندگان دیگر از آنها استفاده نمی‌کنند و یا سعی می‌کنند آنها را بهتر کنند.

- جهت اصلاح اشتباهات درخواست تنظیم کنید. شکایت درباره کاربرد کلمات باعث جایگزینی واژگان می‌شود.

- سعی نکنید عقاید را سانسور کنید، بلکه درباره آنها بحث کنید؛ مثلاً به سردبیران و نویسندگان نامه بنویسید.

- سعی کنید نامه‌هایتان را طوری بنویسید که باعث شود سردبیران یا نویسندگان در عقایدشان تجدیدنظر کنند.

- یک کپی از شکایاتتان برای دوستانتان بفرستید تا دیگران را هم در این امر شریک کنید.

- قبل از شکایت به تأثیر آن فکر کنید که اگر جایی چاپ شد، بهترین تأثیر را داشته باشد.

- وبسایت‌های بسیاری وجود دارند که اطلاعات قابل اطمینانی در مورد اسلام و مسلمانان بریتانیا در اختیارشان می‌گذارند. این وبسایت‌ها باید بین خبرنگاران پخش شوند.

- مسائل مربوط به اسلام‌ستیزی و هویت مسلمانان انگلیس باید جزء موارد آموزشی باشند.

- تک‌تک روزنامه‌ها باید نظامنامه‌ای تدوین کنند که در آن چگونگی گزارش درباره اسلام را طرح‌ریزی کرده باشند.

به هدف می‌رسیم؟

اتحادیه مسلمانان انگلستان در گزارش خود در سال ۱۹۹۷، شصت پیشنهاد را منتشر کرده است که ما در اینجا برخی از مهم‌ترین آنها را به اختصار می‌آوریم. همینطور پیشرفت‌های به‌دست‌آمده و به‌دست‌نیامده بررسی شده‌اند. بدون شک با وجود افزایش تعصبات ضداسلامی، پیشرفت‌هایی هم بوده است و باید کارهای بیشتری انجام داد.

- باید فرصت‌های شغلی و همگانی برابر مهیا

شود و مذهب، نژاد و فرهنگ هم به صورت واضح مورد توجه قرار بگیرند.

سال‌ها سازمان‌های دولتی با مذهب مشکل داشتند تا اینکه در دسامبر ۲۰۰۳ تبعیض در زمینه مذهب غیرقانونی شناخته شد؛ اگرچه هنوز هم در مورد تبعیض مذهبی در خدمات‌رسانی کاری انجام نشده است. اتحادیه تساوی نژادی هم مذهب را مربوط به روابط نژادی نمی‌داند.

- درباره اصول ادیان و مذاهب، اطلاعاتی را چاپ و میان دانش‌آموزان مدارس پخش کنید.

در حال حاضر به دانش‌آموزان مدارس دولتی چنین اطلاعاتی به علاوه اطلاعات مربوط به اخلاقیات و جنسیت داده می‌شود.

- مجموعه‌ای از اصول کلی در مورد دین، مذهب و اصول شهروندی در یک جامعه چندمذهبی و چندفرهنگی منتشر کنید تا معلمان آنها را آموزش دهند.

از سپتامبر ۲۰۰۲ برای اولین بار به دانش‌آموزان در مورد تنوع ملیت، دین، مذهب و هویت‌های اخلاقی و لزوم احترام و درک متقابل گفته شد. اگرچه هنوز هم یک روش اصولی وجود ندارد.

- رهنمودهای کاری مناسبی را برای کارکنان مسلمان منتشر کنید.

نظامنامه استخدام اروپا، تبعیض مذهبی در مکان‌های کاری را از دسامبر ۲۰۰۳ غیرقانونی شمرد.

- رهنمودهایی برای اقدامات صحیح بهداشتی مربوط به مذهب و فرهنگ منتشر کنید. از جمله، استفاده از روحانیون مذهبی، رژیم غذایی، احترام به قواعد مذهبی و فرهنگی و همچنین مشاوره با جوامع مذهبی.

وزارت بهداشت مشاوره با جوامع مذهبی را قبول کرد. «ما قصد داریم تا از این پس با جوامع مذهبی همکاری بیشتری داشته باشیم. از این پس روحانیون اسلامی بیشتری استخدام می‌کنیم و در مورد نیازهای مسلمانان مانند کفن و دفن از آنها راهنمایی می‌گیریم.»

- تبعیض دینی و مذهبی را غیرقانونی کنید. تبعیض مذهبی همچنان انجام می‌گیرد. دولت هنوز هم در این مورد چاره‌ای نیندیشیده است و این مسئله جای نگرانی دارد.

- در مورد خشونت نژادی که به دین و مذهب مربوط است، قانونگذاری کنید.

در حال حاضر قوانینی در مورد خشونت نژادی و مذهبی وجود دارد.

- درباره توهین به مقدسات قانونگذاری کرده و درباره قوانین دیگر کشورها هم تحقیق کنید. مجلس، قوانینی در مورد توهین به مقدسات در نظر گرفت که توهین غیرقانونی شمرده می‌شد ولی به تصویب نرسید.

- در مورد جمعیت زندان‌ها بر اساس مذهب متهمان و مجرمان دقت کنید.

تعداد مسلمانانی که به زندان می‌روند روز به روز بیشتر می‌شود. بخشی از آن مربوط به افزایش زندانیان خارجی است.

- مهاجرت را بر اساس پناهندگی طبق مذهب مانند نژاد و ملیت بررسی کنید.

آنچه مسلم است این که حدود ۸۰٪ از کسانی که پناهنده می‌شوند از کشورهای مسلمان هستند.

- از جوامع مسلمان در مدارس کمک بگیرید. به خصوص مدارسی که تعداد مسلمانانشان زیاد است.

بسیاری از مقامات محلی در این موارد با مدارس همکاری می‌کنند.

- مسلمانان را، نه فقط در آموزش موارد مذهبی بلکه در همه موارد، در امر تدریس تشویق کنید. برخی از مقامات محلی در تشویق مسلمانان نقش فوق‌العاده‌ای داشته‌اند. یکی از موفق‌ترین آنها شهر تاور هملت است.

- در گزارش‌هایی که در مورد فرهنگ و مذهب است، رهنمودهایی تهیه کنید.

تا کنون هیچ رهنمودی صادر نشده است و پوشش تبعیض‌آمیز خبری هنوز هم یکی از نگرانی‌هاست.

- این گزارش را برای سازمان‌های مسلمان توضیح دهید و به پیشنهادهای آنها نیز توجه کنید.

از سال ۱۹۹۷، سازمان‌های مسلمان زیادی به‌صورت ملی و محلی ایجاد شدند و سازمان‌های موجود نیز قدرت بیشتری پیدا کردند. آنها در زمینه اسلام‌ستیزی تلاش‌های بسیار زیادی کرده‌اند.

- در رابطه با رسانه‌ها تدابیر جدی بیندیشید و برای خبرنگاران جلسه و سمینار بگذارید.

اتحادیه مسلمانان انگلیس در مورد پوشش رسانه‌ها با دقت عمل کرده‌اند و شکایت‌های مؤثری در این زمینه انجام داده‌اند. این اتحادیه ملاقات‌های جدی با سردبیران و نویسندگان روزنامه‌ها در سطح کشور داشته است.

- در سطوح محلی و ملی زمینه‌های همکاری مسلمانان را با غیر مسلمانان فراهم کنید. در حال حاضر بسیاری از گروه‌ها و افراد مسلمان در سازمان‌های دینی و غیر دینی زیادی با هم همکاری می‌کنند؛ از جمله، در ائتلاف اتحاد انگلستان.

- رهبران دینی باید بپذیرند که نقش زیادی در کاهش اسلام‌ستیزی و اسلام‌هراسی دارند. اسقف اعظم کاتربری در تابستان ۲۰۰۳ در مورد روابط ادیان سخنرانی مهمی داشت و اسقف قبلی هم در مورد تصحیح روابط با مسلمانان و دیگر ادیان تلاش‌های زیادی کرد. کلیسای انگلستان یکی از صاحب‌منصبانش را مسئول روابط مسیحیان و مسلمانان کرده است. نکاتی که در بالا بدانها اشاره شد، نشان می‌دهند که روش‌های دقیق‌تری برای اسلام‌ستیزی لازم است تا هویت مسلمانان انگلستان بازپس گرفته شود. قانونگذاری نقش مهمی در این رابطه ایفا می‌کند ولی دستورالعمل‌های حرفه‌ای و اخلاقی و تلاش‌های تبلیغاتی در بخش‌های اجتماعی و داوطلبانه و حتی فردی می‌تواند نقش مهمی داشته باشد. حکومت باید قوانینی پیشنهاد دهد که ضد تبعیض مذهبی باشند و انجام آنها را اجباری کند. تمام سازمان‌ها نیز باید مبارزه با تبعیض مذهبی را وظیفه بدانند تا فرصت‌های مساوی برای تمام مردم با هر دینی که دارند، مهیا شود. عبارت «تساوی نژادی» باید به مفهوم تنوع فرهنگی گسترش پیدا کند؛ مثلاً «برنامه‌های تساوی نژادی» باید به صورت «برنامه‌هایی برای تساوی نژادی و تنوع فرهنگی» یا «برنامه‌های تساوی و تنوع» شناخته شود.

منابع و مأخذ

ابوخلیل (۲۰۰۲)، بن لادن، اسلام و جنگ جدید
ضد تروریسم آمریکا، نیویورک: سون اتوریز افشار، هاله (۲۰۰۳)، شکاف فرهنگی: مقالات اکبر احمد (۲۰۰۳)، اسلام در احاطه، زندگی خطرناک در دنیای سربلندی، کمبریج: پولیتی کمال احمد (۲۰۰۳)، مشاهده‌گر، ۲۳ نوامبر
نفیذ احمد و فیصل بودی، رضا کاظم و شجره، مسعود (۲۰۰۱)، آشوب‌های اولدهام، تبعیض، محرومیت و تنش همگانی در بریتانیا، حقوق بشر اسلامی
آن، کریستوفر و نیلسون، یورگن (۲۰۰۲)، گزارشی مختصر درباره اسلام‌ستیزی در اتحادیه اروپا بعد از ۱۱ سپتامبر، وین، مرکز کنترل نژادپرستی و بیگانه‌هراسی

مونیکا علی (۲۰۰۳)، کوجه آجری.
طریق علی (۲۰۰۲)، برخورد بنیادگرایان، جنگ مذهبی، جهاد و مدرنیته
یاسمن علیباهی- براون (۲۰۰۱)، «ما مسلمانان بریتانیایی باید در رؤیا ایمانمان را بازپس بگیریم»، ایندپندنت، ۵ نوامبر
آناس آلتی کیتی (۲۰۰۳)، صحبت آهسته، گاردین، ۲۷ اکتبر

عاملی، سعیدرضا (۲۰۰۲)، جهانی‌شدن، آمریکایی‌شدن و هویت مسلمانان بریتانیایی: ICAS
سازمان عفو بین‌الملل (۲۰۰۳)، مصوبه ۱۰۰۲ ضد تروریسم، جرم و امنیت، عدالت را از میان برده است.

کوفی عنان (۱۹۹۷)، گسترش سلامت کاری برای جامعه مسلمانان در استون بریج: النساء
جامعه النساء (۱۹۹۲)، واکنش مسلمانان به مروری دوباره بر مصوبه ۶۷۹۱ روابط نژادی.
محمد آرکون (۲۰۰۲)، فکر نکردنی‌ها در فکر مسلمانان، کتب ساقی با همکاری نهاد مطالعات اسماعیلیان

محمد عزیز (۲۰۰۳)، «روایی بودن برابری مذهبی در بریتانیا تا ۰۱ سال دیگر»، مجله فرصت‌های برابر، ژانویه

لمان بار (۲۰۰۲)، اسلام مسلمانان و سامی‌گرایی، اتحادیه مسلمانان بریتانیا (www.mcb.org.uk/anti-semitism.html)

بکفورد، جیمز و کیلیات ری، سوفی (۱۹۹۸)، مذهب در زندان: تشریفات مذهبی برابر در جامعه چندفرهنگی، کمبریج: دانشگاه کمبریج
براون، کالین (۲۰۰۱)، «مصاحبه با دیوید بلانکت»، ایندپندنت، ۹ دسامبر

گوپین، مارک (۲۰۰۰)، بین بهشت و جنگ خیر و شر: آینده مذهب‌ها، خشونت‌ها و برقراری صلح در جهان: دانشگاه آکسفورد

برنارد، لوئیس (۲۰۰۳)، کجای کار اشتباه بود؟ واکنش غرب یا واکنش خاورمیانه: فونیکس رامادان، طریق (۲۰۰۲)، مسلمان اروپایی بودن: مطالعه‌ای در منابع اسلامی در مطالب اروپا، لیستر، بنیاد اسلامی

ریس، آلن (۲۰۰۲)، مذهب در گفت‌وگو: از نظریه‌پردازی تا دموکراسی، آلدرشات: آشگات سردار، ضیاءالدین و واین، مریل (۲۰۰۲)، چرا مردم از آمریکا بیزارند؟ کمبریج کتب آیکون
شاه کاظمی، سونیا (۲۰۰۱)، باز کردن گره: زنان مسلمان، طلاق و شریعت، دانشگاه وست مینیستر

ویلسون، دیوید (۲۰۰۳)، بازی کردن: تجربیات جوانان سیاهپوست در حبس، جامعه کودکان